

خوشتن باوری در صنعت!

از محمد حیدری

۱۶ سال دیگر

خبر عقد قرارداد احداث کارخانه سیمان با چین مقارن ایامی در رسانه‌های گروهی منتشر شد که همین رسانه‌ها سخنان وزیر نفت کشور را نیز منعکس کرده بودند. ایشان گفته بود: ذخایر نفت کشور ۹۰/۵ میلیارد بشکه تخمین زده شده و در صورت ادامه روند کنونی مصرف فرآورده‌های نفتی، در ۱۶ سال آینده تمامی تولید نفت باید در داخل کشور مصرف شود.

و باز، در همین ایام بود که قیمت نفت در بازارهای جهانی به پائین‌ترین میزان، طی سال‌های اخیر رسیده بود و مسؤولان اقتصادی کشور علت بدهی‌های خارجی، و عدم تحقق قسمت‌هایی از اهداف پیش‌بینی شده در برنامه اول توسعه را، کاهش قیمت نفت طی سالهای اجرای این برنامه، و نرسیدن درآمد حاصل از فروش نفت به سقف مورد نظر اعلام کرده بودند. این واقعیات نشان می‌دهد اگر اتکاء به درآمد نفت، روزگاری یک «شر لازم» بود، اینک چنین اتکائی دیگر نه حتی «شر لازم»، که «شر مطلق» است.

در سالهای نخستین انقلاب از جمله اهداف درخشان ملی، قطع وابستگی از درآمدهای نفتی، تقویت تولید در بخش صنعت و کشاورزی و رسیدن به خودکفایی نسبی بود. این هدف‌ها، اساس امیدها در تحمل سختی‌ها، کمبودها و حتی تقویت عزم عمومی در برابر تهاجم دشمن خارجی را تشکیل می‌داد.

اندیشیدن به روزگاری که در صنعت و کشاورزی به آن مرحله برسیم که دل نگرانی همیشگی از وابستگی به محصولات خارجی به حداقل برسد، چون شعله فروزانی دل‌ها را گرم می‌کند و بر نیروی اراده کسانی که خود را وقف این اهداف کرده بودند، می‌افزود.

آن هدف‌ها، و تلاش‌هایی که

ماه گذشته قرارداد احداث یک کارخانه سیمان در منطقه آزاد قشم بین قائم مقام این منطقه با مسؤول اتحادیه واردات - صادرات چین امضاء شد.

حسب مفاد این قرارداد، چینی‌ها در ازای یازده میلیون دلار، در قشم کارخانه‌ای احداث خواهند کرد که امکان ساخت هشتاد درصد قطعات آن در ایران موجود است!

این قرارداد زمانی امضاء شده است که بسیاری از واحدهای صنعتی داخلی که هر کدام قادر به ساخت قسمتی از ماشین‌آلات یک کارخانه سیمان هستند، به علت نداشتن بازار فروش و عدم دریافت سفارش، در آستانه تعطیل شدن قرار دارند، و تعدادی از آن‌ها برای سرپا ماندن، فعلاً به اجرای سیاست تعدیل نیروی کار دل خوش کرده‌اند!

اگر چنین قراردادی بین یک واحد بخش خصوصی با طرف خارجی امضاء می‌شد، زیاد شگفت‌انگیز نمی‌نمود، اما از آن جاکه یک واحد تحت نظارت دولت، قرارداد ساخت کارخانه‌ای را با خارجی‌ها می‌بندد که امکان ساخت آن برای صنایع تحت پوشش دولت وجود دارد، سؤال برانگیز است.

برای آن که دانسته شود چرا عقد این قرارداد - و قراردادهای مشابه آن - جای چون و چرا دارد، لازم است اشاره کنیم که استانداری استان مرکزی در نوسعی اعتراض به عدم توجه شخصیت‌ها و مؤسسات مختلف به سرنوشت صنایع سنگین مستقر در اراک، اقدام به تشکیل شرکتی برای احداث یک کارخانه سیمان با استفاده از توان همین صنایع کرده است.

این کارخانه ظرفیت تولید صد تن سیمان در روز را خواهد داشت و صد درصد کارهای طراحی، و هشتاد درصد ساخت ماشین‌آلات و تأسیسات آن در همان محدوده شهر اراک انجام خواهد شد.

برای رسیدن به آن‌ها شد، چندان بی‌ثمر هم نبوده است. گرچه خیلی‌ها نمی‌دانند، اما به واقع ما در پاره‌یی زمینه‌ها شاهد به ثمر نشستن تلاش‌های صادقانه کسانی هستیم که براساس باورهای مقدس سال ۵۷، در حیطه مسؤلیت خود کوشیدند، و زیربنای صناعی را پی ریختند که گرچه در زمینه‌هایی خالی از اشتباه هم نبوده، اما به مردم این امکان را داده که بتوانند امیدوار باشند که گذشت آن روزگاری که حتی برای رفع بیش پافشارده‌ترین نیازهای صنعتی خود محتاج بیگانگان بودند.

اینک که مرحله‌ای رسیده‌ایم که یک استاندار اعلام می‌کند صنایع مستقر در مرکز استانی که تحت نظر او اداره می‌شود قادر است هشتاد درصد ماشین‌آلات یک کارخانه تولید سیمان را بسازد و نصب کند.

(و ایسن، فقط بخشی از دست آوردهایی است که در زمینه صنعت نصیب کشور شده است. برشمردن سایر بخش‌ها نیاز به شرح جداگانه‌یی دارد.)

اما دقیقاً به هنگام بهره‌وری از این دست آوردها، در بزنگاهی که می‌باید خودمان را، و توانایی‌هایمان را به دیگران بنمایانیم، در گوشه دیگری از کشور، سازمانی که بدنه‌یی از دستگاه اجرایی است، بدون توجه به ظرفیت‌های بالقوه داخلی، ساخت یک کارخانه سیمان را صد درصد به یک کشور خارجی سفارش می‌دهد!

از چه کسی باید پرسید؟

و این، تنها مورد از این دوگانگی و تضاد نیست.

در همان استان مرکزی، به شرحی که در شماره گذشته این مجله چاپ شد، کارخانه‌یی چون هیکو قادر است هشتاد درصد انواع لودر - بولدوزر و بیل مکانیکی را بسازد اما به دلیل واردات بی رویه انواع مشابه خارجی، نسبت به ادامه فعالیت آن

تردید ابراز می‌شود. یا کارخانه‌یی به نام صنایع آذراب قادر به ساخت عظیم‌ترین بویلرها برای صنایعی چون پتروشیمی - نیروگاه و پالایشگاه است (و متخصصان فنی خارجی نیز کیفیت ساخته‌هایش را نیز تأیید کرده‌اند) اما بویلرهای مورد نیاز نیروگاهها، پالایشگاهها و تأسیسات مشابه در حال ساخت، به خارج سفارش داده می‌شود

ما فقط از ظرفیت‌های بلااستفاده صنایع اراک آگاهیم. اگر مجموع این ظرفیت‌های بلااستفاده در سطح کشور مورد شناسایی و ارزیابی قرار گیرد

یقیناً به نتایج دیگری خواهیم رسید. این دوگانگی‌ها، این هرززدان توانایی‌های موجود، و این حرکت‌های متضاد با اهداف توسعه اقتصادی، ریشه در کجا و چه عواملی دارد؟

آیا این ریشه را باید در حرکت موازی دستگاههای برنامه‌ریز و مجری جستجو کرد؟ یا باید آن را در عدم انسجام مدیریت سطوح بالای دستگاههای اقتصادی پی‌جو شد، و یا...

از چه کسی باید پرسید در حالی که کشور در مضیقه شدید ارزی به سر می‌برد، چرا یازده میلیون دلاری که می‌تواند مانع توقف چرخ‌های چند واحد عظیم صنعتی شود، برای احداث یک واحد سیمان‌سازی به یک کشور خارجی پرداخت می‌شود؟

از چه کسی باید پرسید چرا باید با این استدلال که اتکاء به تولید بویلر در واحدهای صنعتی داخلی امکان به تأخیر افتادن احداث نیروگاهها را در پی خواهد داشت، ساخت این تأسیسات را به خارجی‌ها سفارش دهیم؟

از چه کسی باید پرسید چرا در حالی که کارخانه هیکو مملو از ماشین‌آلات راه‌سازی تولید شده و به فروش نرفته است، اجازه ورود ماشین‌آلات مشابه خارجی را می‌دهیم؟

نمونه اندونزی

اندونزی تا سال ۱۹۸۴ سه چهارم (۰/۷۵) درآمدهای ارزی خود را با فروش نفت به دست می‌آورد؛ و به طور کلی نود درصد درآمدهای ارزی این کشور مربوط به صدور مواد خام (از جمله نفت) بود.

پنج سال بعد، یعنی در سال ۱۹۸۹، درآمدهای ناشی از فروش نفت و گاز فقط چهار درصد از کل درآمدهای ارزی اندونزی را تأمین می‌کرد و صادرات صنعتی یک سوم (بیش از سی و سه درصد) مجموع صادرات کشور را شامل می‌شد.

آمار صادرات نفتی دو - سه ساله اخیر اندونزی را در دست نداریم، اما این را می‌دانیم که همین کشور هوپیمان می‌سازد و اخیراً به خود ما هلی‌کوپتر فروخته است! از طرفی، یک تحلیل خارجی حکایت از آن دارد که اندونزیایی‌ها بر این باورند که صادرات صنعتی آینده درخشانی را پیش رو دارد.

گرچه اندونزی نیز چون کشور ما بدهی خارجی قابل توجهی دارد، اما تفاوت بین ما و آن‌ها در این است که اندونزیایی‌ها نه فقط برای پروژه‌هایشان به مصنوعات خارجی تکیه نمی‌کنند، بلکه اینک غیراز نفت، از محل صدور کالاهای صنعتی هم درآمد دارند.

جمعیت اندونزی خیلی بیشتر از جمعیت کشور ماست، و درآمد نفتی آن در گذشته هرگز قابل مقایسه با درآمدهای ما از محل صدور نفت نبوده است. اما با این حال این کشور توانسته است خود را از وابستگی مطلق به اقتصاد تک محصولی برهاند.

این موفقیت چگونه نصیب اندونزیایی‌ها شد؟

قدر مسلم این است که آن‌ها صنایع عظیمی را با صرف هزینه‌های کلان پایه‌گذاری نکرده‌اند تا بعد مشابه تولیدات همان صنایع را از خارج وارد کنند!

و نیز نباید تسرید کرد اندونزیایی‌هایی که یک جنگ ویرانگر هشت‌ساله را هم پشت سر نگذاشته بودند، منابع ارزی محدود خود را صرف این نکردند که چند

کارخانه جدید مونتاژ اتومبیل بر کارخانه‌های موجود بیفزایند. و بالاخره اقتصاددانان اندونزی بر این باور نبوده‌اند که در ازای دریافت وام، اعتبار و یا خرید یوزانس، می‌باید دروازه‌های کشورشان را به روی انواع کالاهای لوکس، مصرفی و غیرضروری باز بگذارند.

طبق آماری که صحت آن مورد تردید قرار نگرفته، ما اینک حدود سی میلیارد دلار تعهدات خارجی داریم، در حالی که کشوری چون کره جنوبی، برای خروج از جرگه کشورهای عقب‌افتاده و تبدیل شدن به یک قدرت صنعتی، فقط بیست میلیارد

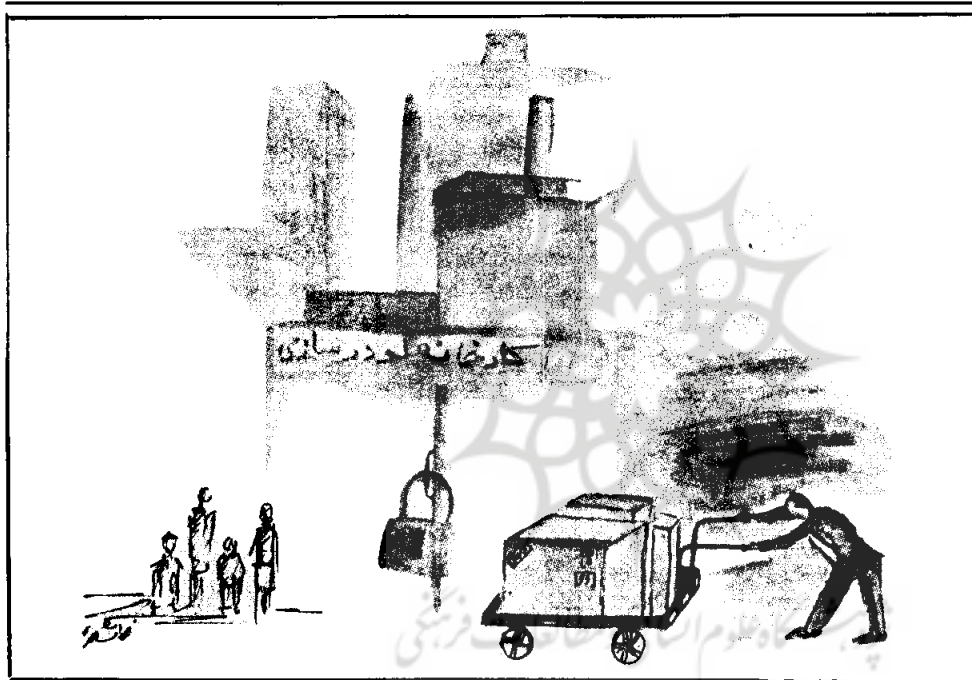
صاحبان صنایع کشتی‌سازی ژاپن دیگر قادر به رقابت با قیمت‌های پیشنهادی آن‌ها نیستند و حتی ساخت سفارش‌هایی را که خود دریافت می‌کنند به کره‌ای‌ها می‌سپارند؟

اگر این نکته، و نکات دیگری را که کشورهایی چون کره، اندونزی و تایوان در جریان توسعه صنعتی خود رعایت کرده‌اند دریابیم، آنگاه برای ساخت بویلرهای نیروگاه اراک، وجود کارخانه آذراب را انکار نمی‌کنیم و راضی نمی‌شویم بویلری را که در وطن خودمان قابل تولید است، از آن سوی اقیانوس‌ها وارد کنیم. جهش صنعتی کشورهایی نظیر کره و اندونزی ممکن

شاهد بودیم. مراحل نهایی تصویب پیمان‌گات به انجام رسید و دیر یا زود اثرات تعیین‌کننده این پیمان بر اقتصاد همه کشورها، و از جمله کشور ما، سایه خواهد افکند.

- آمریکا-مکزیک و کانادا پیمان نفتا را امضاء کردند و فصل جدیدی در تاریخ مناسبات اقتصادی منطقه‌ای گشودند.

- ژاپن که تا این اواخر به تشکیل یک بازار مشترک در شرق اقیانوس اطلس روی خوش نشان نمی‌داد، برای مقابله با اثرات پیمان‌گات - پیمان نفتا - و تحقق نهایی برنامه وحدت اروپا خود



را آماده می‌کند با پنج کشور واقع در شرق اقیانوس اطلس یک بازار مشترک تشکیل دهد.

- ... در آستانه سال جدید مسیحی یکی از نهایی‌ترین مراحل وحدت سیاسی - اقتصادی اروپا عملی شد.

این تحولات بنیادین، نقش تعیین‌کننده‌یی در سرنوشت سیاسی و اقتصادی ملل جهان خواهند داشت. در روند این تغییرات، کشورهایی که در بند توجه اشتباهات و کم‌کاری‌های گذشته و حال خود باشند، بی‌تردید در صف برندگان نخواهند ایستاد.

دلار سرمایه‌گذاری کرده است. و امروز، کره جنوبی منهای تمام توانایی‌هایش در زمینه انواع کالای صنعتی، به آن درجه از قدرت صنعتی رسیده است که حرف اول را در صنعت کشتی‌سازی می‌زند. ظرفیت تولید صنایع کشتی‌سازی این کشور تا سال ۱۹۹۵ تکمیل است و کره‌ای‌ها اینک در صددند برای پاسخ دادن به درخواست‌های متقاضیان جدید، ظرفیت صنایع غول‌آسای کشتی‌سازی خود را باز هم توسعه دهند.

باید دید کره‌ای‌ها چه کرده‌اند که است هزار و یک علت و اسباب داشته باشد. اما به واقع مهم‌ترین علت‌ها را باید در اموری چون انسجام مدیریت کلان اقتصادی، عزم ملی، اتکالی به نفس و سرانجام «خویشترن را باورداشتن» جستجو کرد.

اگر این ملت‌ها توانایی‌های خود را باور نمی‌کردند چگونه می‌توانستند تولیدات خود را به بازارهایی که در تسخیر آمریکا، اروپا و ژاپن بود عرضه کنند و جا بیندازند؟

صف برندگان

اقتصادی